و تأخیر و تعریف و تنکیر و اثبات و حذف و غیر آن و بدان امور احوال آن الفاظ عربیه مطابق مقتضای حال میشوند و مقصود ازین علم هشت
باب انحصار یافته اول احوال اسناد خبری فایده خبر و لازم آن و اسناد مجازی حقیقی اقسام مجازی عقلی مجازات عقلیه در قرآن موجود است
چه در خبر چنانچه وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا نسبت اخراج بمکان کرده و فی الحقیقه مخرج حق سبحانه و تعالی است و چه در انشا چون یا هامان
ابن لی و بحقیقت بنا مثل معالست نه از ان هامان و علی هذا القیاس دوم احوال مسند الیه از حذف و ذکر و تعریف و تنکیر و وصف
و تاکید و تقدیم و تاخیر و غیر آن و وقوع هر یک ازانها بر مقتضای ظاهر بحسب اقتضای حالات و شاید حال مقتضای آن باشد که کلام بر خلاف
مقتضای ظاهر آید چون وضع مظهر در موضع مضمر و عکس آن و التفات نیز با قسام خود و از تتمه این مقولست سیم احوال مسند از ترک و ذکر و ایراد آن
بر سبیل افراد یا جمله و تقدیم و تاخیر و تنکیر و تخصیص آن چهارم احوال متعلقات فعل از تقدیم و تاخیر حذف اثبات و بیان فایده هر یک ازان
پنجم بیان قصر حقیقی و غیر حقیقی و در هر یکی قصر موصوف و صفت یا عکس آن و اقسامش از افراد و قلب و تعیین ششم احوال انشا و در ابحاث
تمنی و استفهام و امر و اقسام آن باشد هفتم بحث وصل و فصل یعنی از جمل بر بعضی و ترک آن هشتم بیان مساوات در کلام و طرفین او که ایجاز
و اطناب اند و مساوات ایراد لفظ باشد بمقدار اصل مراد نه ناقص و نه زاید بر وی چنانچه لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ و ایجاز ادای مقصود است
از کلام بکمتر عبارتی از عبارات متعارفه و اطناب ادای وی است باکثر ازان مع الفایده و ایجاز بر دو نوع باشد ایجاز قصر یعنی ... و مخلوقی نبود و
چنانچه قوله تعالی وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ چه این کلام با جازه لفظی بی حذف چیزی ازان مشتمل بر مطالب بسیارست چنانچه بیان آن
بیاید انشاء الله تعالی دوم ایجاز حذف چنانچه قوله تعالی حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ ای تناولها اما اطناب یا بایضاح باشد بعد از ابهام
تا یک معنی را دو صورت مختلف دیده و دانسته شود چون رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي یا بذکر خاص بعد از عام تا دلیل فضیلت آن مذکور گردد
چون حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى یا به تکرار و آنچه تاکید بود چون كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ و برای زیادتی تنبیه نیز آید یا تذییل یعنی
تعقیب جمله بجمله که ثانی مشتمل بود بر معنی اول و فایده این صورت تاکید است قوله تعالی ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا
الْكَفُورَ یا باعتراض کلام قبل التمام و آن برای تعظیم و تاکید مانند آن باشد چنانچه فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ
و هر یک از آیات قرآنی در باب ایجاز و اطناب بر وجهی واقع شده که در حسن لطافت مزیدی بران متصور نیست بیت در خلوت اگر ای
بجس نمائی و ربا سر میدان تماشائی عشاق تو دانند که هر صورت از ان در غایت خوبی بود و زیبائی و درین ترجمه هر جا نبذ
خود ایمائی برین نکات و سایر ارباب علم معانی خواهد رفت اما علم بیان علمیست که بدو شناخته شود ایراد معنی واحد بطرق مختلفه در
وضوح دلالت بر آن معنی یعنی بعضی ازان طرق واضح الدلاله باشد بران و بعضی اوضح ازان و این علم منحصر در سه چیز است تشبیه مجاز کنایه
اما تشبیه چهار رکن دارد مشبه و مشبه به و وجه شبه و ادات تشبیه و در هر تشبیهی غرضی فایده هست مثلا درین آیه مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ
ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا مشبه حال یهود مشبه به حال حماری که حامل کتب باشد و ادات تشبیه کاف و وجه شبه
حرمان انتفاع بکتاب باوجود کد و تعب در حمل آن و فایده تشبیه تقبیح حال یهود و تفضیح ایشانست اما مجاز بقول اصح در قرآن واقع
است و نزد اصولیان یکی از طرق استعمال نظم قرآنی و جریان او در باب مجاز است و مجاز مفرد باشد و مرکب و مفرد کلمه ایست

مستعمل

مستعمل در غیر ما وضع له و مجاز را از قرینه عدم اراده موضوع له و علاقه مصححه چاره نیست و آن علاقه اگر غیر مشابهت باشد آنرا مجاز مرسل گویند و الا استعاره
و مجاز مرسل و استعاره منحصر است در پنج نوع و اکثر انواع در قرآن وارد است چنانکه هر یک در محل خود بیان خواهد رفت و استعمال هر یک از انواع
باشد و بعضی ازان در کلام مجید وقوع یافته و هر یک بیانی خواهد رفت اما هر یک کنایت آن لفظیست و اراده لازم معنی او که مقصود باشد با اراده
معنی او که مقصود با تبع است برین تعریف فرق ظاهر شد میان کنایه و مجاز همین لازم معنی مراد باشد و در کنایه اراده معنی و اراده لازم هر دو درست و کنایه
سه قسمت یکی آنکه مطلوب بدو غیر صفت و نسبت بود دوم آنکه صفت باشد و مراد صفت معنویست نه نعت این نیز دو قسم است قریبه که ذهن از آن
منتقل شود بمطلوب بی واسطه و بعیده که ذهن بی واسطه اشتغال نکند بمقصود سیم آنکه مطلوب بدو نسبت باشد و آنچه کنایه و تعریض در کلام ربانی
وقوع یافته در اقصی مراتب بلاغتست و درین ابواب نیز در هر محل عنقریب خواهد شد ششم علم بدیع که بدو شناخته شود وجوه تحسین کلام بعد از رعایت
مطابقه او با مقتضی حال و وضوح دلالت بباید دانست که وجوه حسن کلام دو نوع است یکی آنکه راجع بمعنی باشد چون طباق و مراعات نظیر و مشاکله
و استطراد و عکس و تبدیل لف و نشر و تجرید و توحید و مانند آن دوم آنکه راجع بلفظ بود چون تجنیس اشتقاق و رد العجز علی الصدر و لزوم
ما لا یلزم و امثال آن و غیر این وجوه بر سبیل کمال در کلام جلال وارد شده و هر یک باشارتی خواهد رفت تا مطالعه کنندگان را در طریق دلایل
اعجاز دیده بصیرت گشاده گردد و دانند که فواتح و خواتیم آیات و سور بر احسن وجوه بلاغت و اکمل آن در داشت و اگر چه مشاطه فکر ارائش صاحب نظران
گلگونه محسنات کلامی جهت آرایش عذار کتاب اعجاز انتساب ترتیب نموده و بجهت زیور کلام میان نظام صورتی چند از بدایع و صنایع خیال فرموده اما
بحکم لکن حسنا خالقی بجد ع هر محسنات ز زیب و زیور احسن است بیت زیور ها چه ارآیند مردم خوب رویان را توسیمین تن چنان خوبی که
زیور ها بیارائی هفتم علم فقه و چون علما اصولین بعضی مسایل کلامیه و فقهیه از قرآن استنباط نموده اند در محل تحقیق آن آیه که محل استنباط
بوده متوقع ایمائی بدان استنباط باید تا بواسطه آن نقاب خفا از وجه معنی آن آیه بگشایند هشتم در علم حدیث چه در تبیان مجملات و توضیح مبهمات
قرآن احتیاج بحدیث و آیات کما قال الله تعالی لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ و از معرفت اقسام حدیث صحیح و حسن و ضعیف و انواع هر یک
ازان مفسر را بقدر احتیاج بهره باید عنوان خامس در بیان علومی که خاص است بتفسیر اول علم اسباب نزول بدانکه از ابتدای ظهور نزول وحی تا زمان وفات
حضرت رسالت پناهی صلعم بیست و سه سال بوده و کمتر نیز گفته اند و بر همه تقدیر قرآن در مدت متفرق فرود آمده و در وقایع مختلفه نازل شده و امام واحدی
رحمه الله آورده که از جمله علوم قرآنی آنچه صرف عنان عنایت بدان اولی مینماید علم اسباب نزولست چه معرفت تفسیر هر آیه بدون وقوف
بر بیان نزول ممتنع باشد و خوض دران بی روایت و سماع جایز نبوده و امام مذکور را درین علم علیحده کتابیست با آنکه در وسیط و بسیط نیز بسط
اطناب فی هذا الباب فرموده اند و از امام ابو النصر احمد بن سرکتی ترجمه در غایت زیبائی نموده و ثبت اسباب نزول درین ترجمه منتخب
ازان کتاب خواهد بود دوم علم ترتیب و محل نزول بدانکه اول آیتی که از قرآن فرود آمد بقول اصح اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ بود و آخر
آیتی که نازل شده بقول شهر آیه وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ و اول سوره که بتمامی نازل شده باتفاق علما سوره فاتحه بوده و آخر سوره
که بتمام نازل شده إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ بوده با آنکه بعضی از قرآن بمکه فرود آمده و بعضی بمدینه و در مواضع دیگر نیز چون بیت المقدس و جحفه
و حدیبیه و طایف و تبوک و بدر و غیر آن منزل شده و مجموع سور و آیات را بر مکی و مدنی منحصر داشته اند و در کشف الاسرار آورده که هر چه از قرآن

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com) 1